

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان رشتخوار، استان خراسان رضوی)

بوزرجمهری، خدیجه* - گروه آموزشی جغرافیا، دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
جوانی، خدیجه - دانش‌آموخته گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵

چکیده

ایران از جمله کشورهای در حال توسعه است و دارای پیشینه و خاستگاه سازمان‌های مردم‌سنتی؛ برخی از این سازمان‌های مردمی همچنان وجود دارند. دولت‌های اخیر نیز به نقش سمن‌ها در توانمندسازی جوامع محلی پی برده و مجوز تأسیس این‌گونه سازمان‌ها را داده‌اند. سازمان‌های مردم‌نهاد در حیطه فعالیت زنان به‌عنوان سازمان‌های غیررسمی در هر نظام اجتماعی با هدف جلب مشارکت زنان در تعیین سرنوشت خود از طریق توانمندسازی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی آنان توانسته‌اند نقش مؤثری ایفا کنند، ولی توانمندسازی با گذشت زمان توسعه می‌یابد، زیرا یک فرایند است و به تدریج اعضا کنترل بیشتری بر زندگی خود پیدا می‌کنند. در همین راستا هدف از این پژوهش ارزیابی اثرهای سازمان مردم‌نهاد «باشگاه کشاورزان جوان» بر توانمندسازی اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی شهرستان رشتخوار است. روش تحقیق علی-مقایسه‌ای و توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری شامل ده روستای این سمن در شهرستان رشتخوار است. از هشتصد نفر زن عضو سمن، با فرمول کوکران و ضریب خطای ۰/۰۶، دویست نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و دویست نفر غیرعضو نیز به‌عنوان شاهد تعیین حجم شدند تا به‌صورت مقایسه‌ای تأثیر سمن ارزیابی شود؛ بدین منظور از پانزده شاخص اقتصادی و ۲۵ شاخص اجتماعی استفاده شد. نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل نشان داد اختلاف معناداری بین دو گروه وجود دارد که نشانه تأثیر سمن بر توانمندسازی زنان روستایی عضو است و توانسته میزان آگاهی، اعتماد به نفس، و تمایل آنان به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی را افزایش دهد. اما در برخی شاخص‌ها سمن به موفقیت کامل نائل نشده است و زنان به آگاهی‌های اجتماعی و حقوقی، آگاهی از بازارها، مهارت‌های تولیدی، و دسترسی به تسهیلات و منابع مالی بیشتری نیاز دارند.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی اجتماعی-اقتصادی، زنان روستایی، سازمان مردم‌نهاد، شهرستان رشتخوار.

مقدمه

دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در همه عرصه‌ها امکان‌پذیر نیست. امروزه، اهمیت عدالت جنسیتی نه تنها به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نوع حقوق بشر، بلکه برای کاهش فقر، بالارفتن استانداردهای زندگی، رشد مناسب، و ثبات اقتصادی مورد تأکید قرار می‌گیرد. به همین دلیل، در دهه ۱۹۸۰، به جای اصطلاح «زن در توسعه»، اصطلاح «جنسیت و توسعه» به کار گرفته شد (براری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۴). یکی از اجتماعات انسانی که ضرورت توانمندسازی زنان در آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته جامعه روستایی است (علی‌شاهی، ۱۳۸۶: ۵)؛ جامعه‌ای که توسعه‌نیافتگی در فضای آن باعث شده زنان روستایی به‌رغم گستردگی مشارکت در فعالیت روزانه اقتصادی-اجتماعی خانوار، همواره به‌عنوان اقشاری آسیب‌پذیر در برنامه توسعه روستایی به‌شمار آیند (علی‌بیگی و زرافشانی، ۱۳۸۶: ۸۹). اکنون صاحب‌نظران معتقدند که باید با بازنگری در دیدگاه‌های برنامه‌ریزی، تأکید ویژه‌ای نسبت به این قشر مبذول شود و بر اساس تغییر و تحول صورت‌گرفته در دیدگاه‌های توسعه، رهیافت‌های مشارکتی و توانمندسازی زنان روستایی مورد توجه ویژه قرار گیرد. رویکرد توانمندسازی به دنبال پاسخ‌گویی به نیازهای استراتژیک و عملی است که به توانمندسازی زنان منجر شده و توسعه کلی جامعه را در سطح خرد و کلان در پی خواهد داشت (اریکسون و همکاران، ۲۰۰۳: ۹۷). توانمندسازی باید از چارچوب ذهنی خارج شود و به محیط حمایتی مبتنی بر حس مسئولیت تبدیل شود تا زنان فرصت داشته باشند به نحو مطلوب همکاری و مشارکت کنند. زنان روستایی را هنگامی می‌توان توانا خواند که تنها شریک انجام کار نباشند، بلکه در مدیریت و تصمیم‌گیری نیز سهیم شوند. پس موضوع تصمیم‌گیری زنان باید به‌عنوان یکی از شاخص‌های توانمندسازی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه مورد توجه مسئولان، برنامه‌ریزان، و مجریان قرار گیرد (هادی پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۲). تحقق این موارد جز از طریق گروه و شکل و برنامه‌های توان‌افزایی میسر نخواهد شد و سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان یک نهاد غیررسمی، غیرانتفاعی، و غیرحزبی به دلیل ابتکار عمل شخصی یک فرد یا گروهی از افراد به‌صورت داوطلبانه فعالیت‌های توسعه‌ای را در قالب برنامه‌های بنیادی انجام می‌دهند (موتیر و شافیکل، ۱۹۹۹: ۴). از جمله پی‌گیری برنامه‌های آموزشی سمن‌ها به ایجاد توانایی‌ها و مهارت‌های قابل توجهی در بین زنان روستایی دهستان اردوغش شهرستان نیشابور منجر شده است (یاسوری، ۱۳۹۰). همچنین، سمن‌ها به‌عنوان بازوان اجرایی و حامیان دولت در روستاها محسوب می‌شوند و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی را فراهم می‌سازند (فال‌سلیمان و حجتی‌پور، ۱۳۹۰). شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در سمن‌ها و تأثیرات متقابل آن‌ها بر توانمندی زنان بسیار اهمیت دارد و موجب تقویت روحیه مشارکتی، بهره‌مندی از دوره‌های آموزشی، بالارفتن سطح آگاهی‌ها و توانمندی‌ها، ایجاد تنوع شغلی، کاهش وابستگی، و آشنایی زنان روستایی را با سازوکارهای اداری فراهم کرده است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۲؛ شهسواری‌فرد، ۱۳۹۶؛ صفری و همکاران، ۱۳۹۷). تأثیر برنامه‌های سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد جهانی نیز مؤید این اثرگذاری است. چنان‌که نیواز (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای کیفی در روستاهای پانچروخی و آنهاروی در کشور بنگلادش با ۲۰ زن که دست کم چهار سال در برنامه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی شرکت داشتند نتیجه گرفت که «درک زنان از خود» و «کنترل بر منابع مادی» و «روابط اجتماعی» آنان بهتر شده و میزان آگاهی و تحصیلاتشان نیز افزایش یافته است. تحقیقات بالحیب (۲۰۰۴) در مراکش و ایسلام و سلطانا (۲۰۰۵) در بنگلادش نشان داد که سازمان‌های مردم‌نهاد عاملان فعال در تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی هستند و بیشترین نقش آن‌ها تلاش برای پیشرفت زندگی زنان روستایی بوده تا به حقوق انسانی خود آگاه شوند و سعی کنند زندگی و شرایطشان را تغییر دهند. مصاحبه با ۷۲ زن روستایی در هند نشان داد که شرکت و آموزش در برنامه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد سبب تغییرات و ارتقا در شاخص‌های «خودتوانمندسازی»، «خودکارایی»، و

«خودبهبودسازی زنان» می‌شود (هندی و کاسام، ۲۰۰۶). همچنین، با فعالیت این سمن‌ها، انواع ظلم‌ها و ستمی که موجب اتقباد، بهره‌کشی، و انزوای زنان شده شناسایی می‌شود و تلاش برای کاهش این آسیب‌ها و موانع انجام می‌گیرد (لالیما و میخائیل، ۲۰۱۲). از دیگر تأثیرات سمن‌ها، افزایش مشارکت سیاسی زنان روستایی است که مارا و لیتل (۲۰۱۵) در تحقیقاتشان در شمال تانزانیا دریافتند که مشارکت سیاسی زنان در سطح جامعه در ارتباط با فعالیت‌های نوآورانه سازمان‌های مردم‌نهاد است که از طریق برنامه‌های اعتبارات خرد و آموزش محقق شده و در حکم کاتالیزور برای توانمندسازی زنان عمل کرده است. بنابراین، تجربیات موفق سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای درحال توسعه نشان داد که این سازمان‌ها توانسته‌اند بهره‌دهی منابع محلی را بهبود بخشند، برابری به حقوق و عدالت، افزایش مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی، خودکنترلی بر منابع مادی را افزایش دهند و سبب کاهش فقر شوند و توانمندی‌های زنان روستایی را ارتقا بخشند. در همین راستا، در پژوهش پیش رو نیز تلاش شده تا نقش سازمان مردم‌نهاد «باشگاه کشاورزان جوان» در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رشتخوار در ابعاد اقتصادی - اجتماعی بررسی و ارزیابی شود.

زنان روستایی این شهرستان طبق آمار سرشماری ۱۳۹۵ بالغ بر ۱۹۶۱۲ نفر است که ۴۱/۳۴ درصد جمعیت نقاط روستایی را تشکیل می‌دهند که از این تعداد جمعیت ۱۵۷۱۷ نفر، یعنی معادل ۸۰/۱۳ درصد، در سنین فعالیت‌اند. در بررسی‌های اکتشافی اولیه مشخص شد که این زنان از توان‌های اقتصادی و اجتماعی بالقوه فراوانی در ایجاد کسب و کار برخوردارند، ولی با مشکلات و موانع عدیده‌ای نیز روبه‌رویند و سازمان‌های مردم‌نهاد منطقه که ترکیبی از فعالیت‌های رفاهی، توسعه‌ای، حمایتی، و آموزشی را پوشش می‌دهند توانسته‌اند نقش مؤثری در توانمندسازی زنان عضو ایفا کنند؟ «باشگاه کشاورزان جوان» یک سازمان مردم‌نهاد رسمی فعال در ۱۰ روستای شهرستان رشتخوار است، با ساختار مردمی و ویژه کشاورزان (زنان و مردان). این نهاد با به‌کارگیری کارکردهای مختلف آموزشی، فرهنگی، هنری، و ... در زمینه کارآفرینی و توسعه بخش کشاورزی با اهداف معین تشکیل شده است. اهداف این تشکل فراهم‌ساختن زمینه‌های مشارکت جوانان به‌مثابه کشاورزان فردا برای دستیابی به اهداف توسعه بخش کشاورزی و روستایی، بسترسازی و زمینه‌سازی برای شکوفایی و پویایی ظرفیت‌های ذهنی، شخصیتی، دانشی، و مهارتی جوانان روستایی در راستای بهبود زندگی بهتر در روستاست. طبق آمار سال ۱۳۹۷، تعداد زنان عضو سمن ۸۰۰ نفر است که در این پژوهش تلاش شده تأثیر و رابطه فعالیت‌های سازمان را در توانمندسازی زنان روستایی از ابعاد اجتماعی و اقتصادی بررسی و ارزیابی شود.

مبانی نظری

سازمان‌های مردم‌نهاد

سازمان مردم‌نهاد یا به‌اختصار «سمن» یا NGO به شکل‌های مختلف در سراسر جهان استفاده می‌شود و به انواع گوناگون سازمان‌ها اشاره دارد. این سازمان در کلی‌ترین معنایش به سازمانی اشاره دارد که مستقیماً بخشی از دولت محسوب نمی‌شود، اما نقش بسیار مهمی به‌عنوان واسطه بین افراد (اتم‌های اجتماع)، قوای حاکم، و حتی خود جامعه ایفا می‌کند (شاه‌بهرامی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۱۲). این نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند یا به عبارتی قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها را با یکدیگر شکل می‌دهند (رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۱۳۹). در مجموع، این سازمان‌ها اساساً با تأکید بر سه اصل داوطلبانه، غیرانتفاعی، و غیرسیاسی تأسیس می‌شوند (سعیدی، ۱۳۹۳: ۵).

سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حیطه فعالیت زنان در هر نظام اجتماعی با هدف جلب مشارکت زنان در تعیین سرنوشت خود از طریق توانمندسازی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی آنان توانسته‌اند نقش مؤثری ایفا

کنند و جایگاه ویژه‌ای در ارتقای سطح آگاهی عمومی و توسعه نیروی انسانی و شناساندن نقش زنان در تحقق جامعه مدنی داشته‌اند (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۲). توانمندسازی با گذشت زمان توسعه می‌یابد و اعضا به تدریج کنترل بیشتری بر زندگی خود پیدا می‌کنند و به طور فزاینده‌ای در تصمیم‌گیری‌هایی که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد شرکت می‌کنند (هاشمی و همکاران، ۱۹۹۶؛ اریکسون و همکاران، ۲۰۰۳؛ کازی و همکاران، ۲۰۱۷).

سازمان غیردولتی تحت عنوان سازمان‌های داوطلبانه گرچه ریشه سه‌هزارساله در تاریخ بشری دارد (قشقایی، ۱۳۷۸: ۵)، رشد گسترده آن در دهه‌های اخیر باعث شده که ساختار ناشناخته آن بیشتر هویدا شود (گلشن‌پژوه، ۱۳۹۱: ۱۰). به عبارت دیگر، ساختار واضح و مدون سازمان غیردولتی با تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، که مفاد آن در ماده ۷۱ فصل ۱۰ منشور سازمان ملل آمده، به وجود آمد (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۳۲). بسیاری از این سازمان‌ها غیرانتفاعی و مستقل از دولت‌اند و بودجه آن‌ها از راه کمک‌های مردمی و در مواردی با کمک سازمان‌های دولتی، دولت، یا ترکیبی از این روش‌ها و در قالب پروژه‌های مشترک تأمین می‌شود. این سازمان‌ها در هر نظام اجتماعی با هدف جلب مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود از طریق توانمندسازی در ابعاد مختلف می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند و جایگاه ویژه‌ای در ارتقای سطح آگاهی عمومی و توسعه نیروی انسانی و شناساندن نقش افراد و به ویژه زنان در تحقق جامعه مدنی داشته باشند (سعیدی، ۱۳۹۳: ۳). این فرایند فقط با لحاظ شدن زنان در انجمن‌های مردم‌نهاد و کمک به ایفای بهتر نقش‌های آن‌ها در جامعه از طریق توانمندتر شدن آنان مقدور است (استریتن، ۱۹۹۷: ۱۰). این سازمان‌ها به دلیل ارتباط تنگاتنگ با آحاد مختلف مردم و جلب اعتماد آنان می‌توانند در کنار دولت به عنوان بازوان اجرایی و فکری فعالیت کنند. اصل مشترک همه مراکز غیردولتی همیاری مردم برای دستیابی به توسعه پایدار و متوازن و در نهایت ایجاد یک جامعه مدنی است. زیرا آنان در قالب تشکل‌های خودجوش مردمی نمود پیدا می‌کنند و می‌توانند با بسیج امکانات، نیروها و توان اجتماعی را برای خدمت به توسعه و سازندگی جامعه تقویت کنند. بنابراین، از یک سو این سازمان‌ها به عنوان حلقه واسط بین مردم و حکومت و ایجاد فضای مشارکتی- زنان روستایی را در دستیابی به اهداف توانمندی سوق می‌دهند و از سویی دیگر تداوم سازمان‌های غیردولتی به مشارکت بیشتر اعضا و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت بستگی دارد. بدیهی است فعالیت در چنین سازمان‌هایی بستر لازم را برای رشد شخصیتی و ارتقای توانمندی‌های ذهنی و فکری اعضا و مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی تسهیل می‌نماید و زمینه مناسبی برای رسیدن به شاخص‌های توسعه انسانی فراهم می‌سازد. ولی در کل بخش‌های سازمانی، نهادی، اصناف، و قانون‌گذاری به خاطر اهمیتی که بر توانمندی روستاییان دارند در اولویت قرار دارند (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

توانمندسازی^۱ زنان روستایی

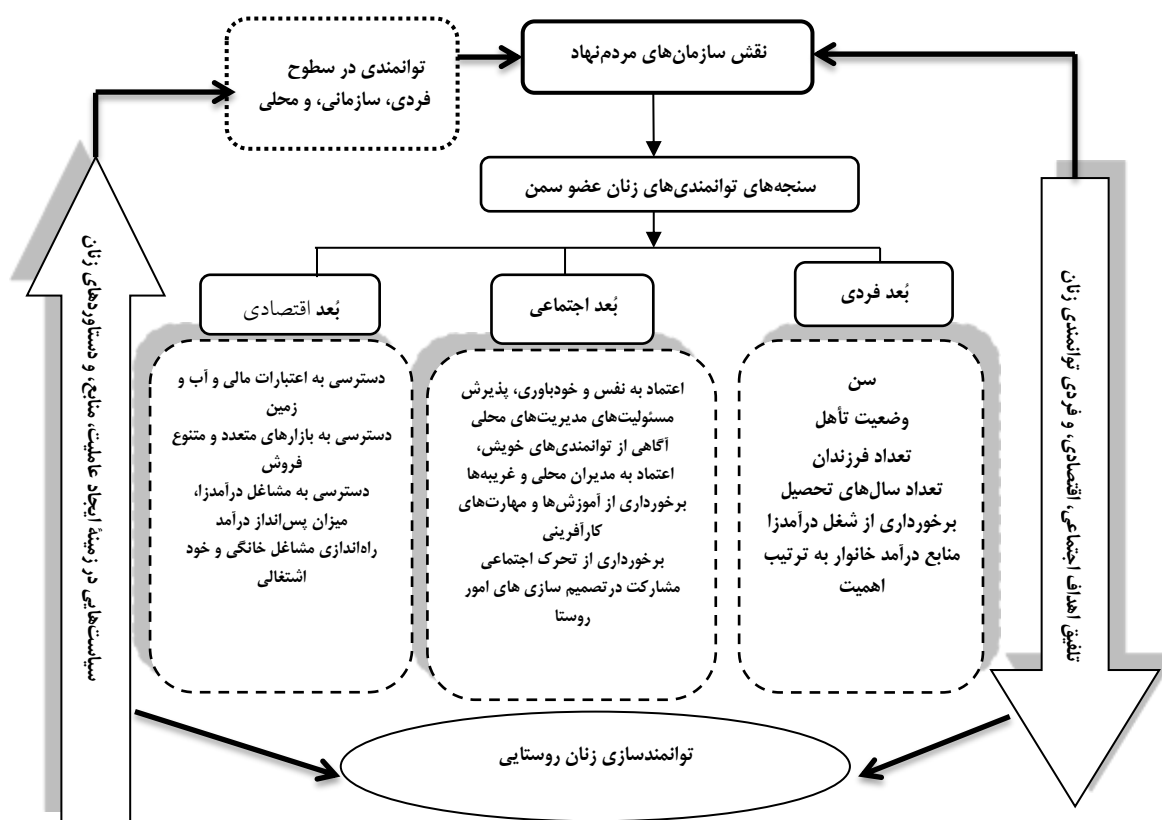
مفهوم «توانمندسازی» در مقابل برخی مفاهیم همچون مفهوم «برابری»، که آسان و به طور مستقیم قابل فهم است، مفهومی بسیار گسترده و متغیر است که با توجه به شرایط و زمینه‌ها نویسندگان متفاوت از استفاده می‌کنند (توحیدال و ایمادوال، ۲۰۱۲: ۲۰). از آنجا که این مفهوم یک واژه بسیار شخصی است، هر شخص با توجه به تجربه زندگی، شخصیت، و آرمانش تعریف منحصر به فردی از آن دارد. طبیعتاً بافت و فرهنگ هر شخص تعریف توانمندسازی را شکل می‌دهد (ریفیقول، ۲۰۱۱: ۱۳). مشکل اساسی توانمندسازی این است که این مفهوم «پدیده پنهان» است و به طور مستقیم قابل مشاهده نیست: توضیح آنکه نتایج و آثار آن ممکن است قابل مشاهده باشد، اما بررسی پویایی درونی آن مشکل است (کازی و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۵). پیرو پویایی درونی و پنهان توانمندسازی، تعاریف متعدد و گوناگونی ارائه شده است؛

از جمله توانمندی‌سازی یعنی مردم باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آن‌ها امکان انتخاب بر اساس خواست‌هایشان را بدهد (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۵۴). توانمندسازی زنان نیز به معنای مقابله با وضعیت بی‌قدرتی زنان است. این مفهوم به تدارک و تسلط بیشتر زنان بر منابع و کسب منافع اطلاق می‌شود (کبیر، ۲۰۰۲: ۱۹). به عبارتی، توانمندسازی یعنی توانایی انتخاب و به‌دست‌آوردن قدرت (لی و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۴۰). بنابراین، مفهوم توانمندسازی زنان شامل همه اقدامات در جهت افزایش سطح کیفی زندگی زنان است و موجب ارتقای خودباوری، خودارزشمندی، و خوداتکایی می‌شود. توانمندسازی سه عنصر مهم دارد: منابع شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال؛ عاملیت یعنی زنان به‌عنوان بازیگران اصلی در فرایند تغییر دستاوردها؛ یا نتایج حاصل از فرایند توانمندسازی. دستاوردها می‌تواند از برآورده شدن نیازهای اساسی تا دستاوردهای پیچیده‌تری مانند خشنودبودن، عزت نفس داشتن، مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی، و غیره باشد (شادی‌طلب و گرای‌نژاد، ۱۳۸۳: ۷۰) و هنگامی که کشوری می‌خواهد بر موانع مرتبط با فقر و دیگر موارد عدم توسعه غلبه کند موضوع توانمندسازی و مشارکت زنان گامی لازم برای قرارگرفتن در مسیر توسعه انسانی و مدیریت استعدادهای، اهداف توسعه هزاره، و اهداف معتبر جهانی محسوب می‌شود (چمبرز، ۱۳۷۵ به نقل از رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۰۸). توانمندسازی یک فرایند پویا و خودجوش از متن بافت فرهنگی- اجتماعی یک جامعه است که در فرهنگ فشرده آکسفورد قدرتمندشدن، مجوزدادن، قدرت‌بخشیدن، و تواناشدن معنا شده است. در واقع، این واژه دربرگیرنده قدرت و آزادی عمل بخشیدن برای اداره خود است (ابطحی و عابسی، ۱۳۸۶: ۱). بنابراین، توانمندسازی زنان اصولاً یک فرایند محسوب می‌شود، یعنی معرف پیشرفت از یک موقعیت (نابرابری جنسیتی) به موقعیت دیگر (برابری جنسیتی). این فرایند از سطح فردی (احساس ذهنی و توان عینی برای انجام‌دادن امور) شروع می‌شود و تا سطوح اجتماعی (توان مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی)، سیاسی (کنترل بر تصمیمات سیاسی)، اقتصادی (توان کنترل تصمیم‌گیری‌های اقتصادی)، و نهادی (به‌چالش کشیدن نهادها و ساختارهای نابرابر موجود) را دربر می‌گیرد (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶). توانمندسازی اجتماعی تحول درونی فرد تعریف می‌شود که با ایجاد اعتمادبه‌نفس آغاز می‌شود و به‌سرعت به احساس خودارزشمندی فرد تبدیل و موجب موفقیت وی می‌شود (سهای، ۱۹۹۸: ۲۰). هدف از این نوع توانمندسازی، افزایش پتانسیل شهروندان برای تغییر خود است و معمولاً از طریق آموزش و سیاست‌های عمومی به‌دست می‌آید و زن‌ها را از فشارهایی که باعث و مانع می‌شود تا نتوانند از همه ظرفیت‌هایشان استفاده کنند آزاد می‌کند (باشگاه دانش‌آموختگان مدرسه پرتو، ۱۳۹۵: ۲-۳). توانمندسازی اقتصادی زنان یعنی داشتن توانایی پیشرفت مالی و قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی و توانایی سودبردن است. آن‌ها باید بتوانند در بازاریابی با سایر افراد و ارگان‌های اقتصادی به‌طور برابر رقابت و منابع و سود مالی خویش را کنترل کنند (خلیلی، ۱۳۹۵: ۲). مشارکت برابر بین گروه‌ها، سازمان‌ها، و نهادهای مدنی و احزاب و یادگیری از یکدیگر از ضرورت‌های توانمندسازی است و توانمندسازی باید حق توسعه‌یافتگی را در افراد، جوامع، سازمان‌ها، و گروه‌ها به‌وجود آورد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۱۰). در این نظریه نابرابری بر مبنای طبقه اجتماعی، جنسیت، و نژاد محکوم و به حقوق برابر زنان در مقابل مردان تأکید شده است (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۱). در بطن توانمندسازی زنان، خوداتکایی، مشارکت در تصمیم‌سازی، عدم تمرکز، و دسترسی به منابع مطرح است.

در کل، ابعاد توانمندسازی در پنج سطح- ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روانی (روحی- عاطفی)، سیاسی، و فرهنگی- تقسیم شده است (خداوردی‌لو و بریمانی، ۱۳۸۹: ۱۴۹) که در این پژوهش تأثیر سازمان‌های مردم‌نهاد بر ابعاد توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی بررسی شده و شاخص‌های در نظر گرفته‌شده به شرح زیر است:

الف) شاخص‌های توانمندی اجتماعی: اعتماد به نفس و خودباوری (تمایل به شرکت در جلسات و پذیرفتن مدیریت‌های محلی)، آگاهی از توانایی‌های خویش، برخورداری از مهارت‌های هنری و کارآفرینی، برخورداری از تحرک اجتماعی، اعتماد به مدیران محلی و غریبه‌ها، مشارکت در تصمیم‌سازی‌های روستا.

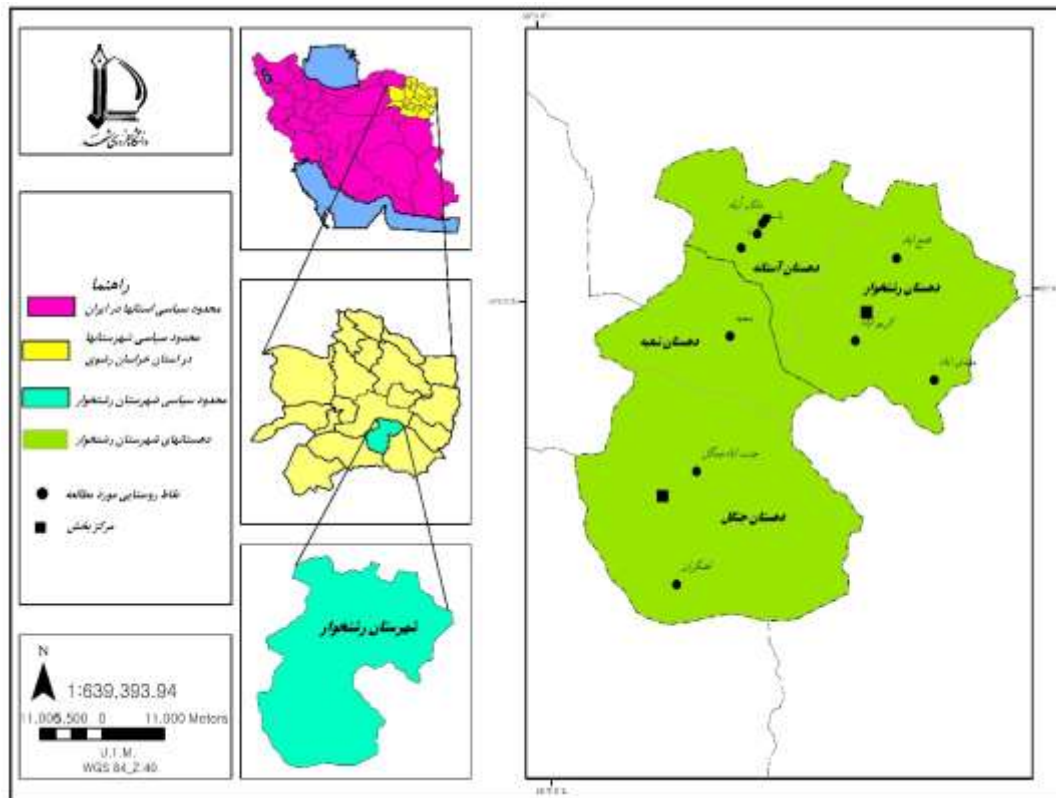
ب) شاخص‌های توانمندی اقتصادی: دسترسی به اعتبارات مالی و آب و زمین، دسترسی به بازارهای متعدد و متنوع فروش، دسترسی به مشاغل درآمدزا، میزان پس‌انداز درآمد، راه‌اندازی مشاغل خانگی و خود اشتغالی (مدل مفهومی تحقیق شماره ۱).



نمودار ۱. مدل تحلیلی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی زنان عضو

روش پژوهش

ناحیه جغرافیای مورد مطالعه روستاهای شهرستان رشتخوار از استان خراسان رضوی است. مرکز آن شهر رشتخوار است و در فاصله ۱۶۵ کیلومتری جنوب مشهد قرار دارد. این شهرستان، با وسعت ۳۵۹۷٫۶ کیلومتر مربع، ۱٫۵ درصد از وسعت استان را تشکیل می‌دهد و، براساس آخرین تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۵، دارای دو بخش مرکزی و جنگل، ۴ دهستان شعبه، جنگل، رشتخوار، و آستانه و ۳۸ روستای دارای سکنه با ۶۰۶۸۹ نفر جمعیت (۵۰٫۸ درصد مرد و ۴۹٫۲ درصد زن) است که از این تعداد ۷۶٫۶ درصد روستایی و ۲۳٫۴ درصد شهری‌اند. در ده روستای این شهرستان، سازمان مردم‌نهاد «باشگاه کشاورزان جوان» تأسیس شده است که روستاهای مورد مطالعه تحقیق را تشکیل می‌دهند. نام و پراکنش جغرافیایی این روستاها در نقشه ۱ مشخص شده است.



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه (دارای سمن باشگاه کشاورزان جوان) در شهرستان رشتخوار
 مأخذ: لایه‌های رقومی استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۵، تهیه و ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۹

روش تحقیق این پژوهش علی-مقایسه‌ای و توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری شامل زنان روستایی در سنین فعالیت (۱۵-۶۴) و عضو سمن باشگاه کشاورزان جوان، ساکن در ده روستای شهرستان رشتخوار. تعداد کل زنان عضو ۸۰۰ نفر است که با فرمول کوکران و خطای ۰/۰۶ درصد حجم نمونه دویست نفر به دست آمد که تعداد آن‌ها به تناسب در روستاهای مورد مطالعه مشخص شد. به منظور تأثیر این سمن در توانمندسازی زنان عضو، دویست نفر از زنان غیرعضو گروه شاهد در نظر گرفته شد که به تفکیک روستاهای جامعه آماری در جدول ۱ آمده است.

با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته و طرح پرسش‌های باز و بسته متناسب با نوع سؤال، اطلاعات میدانی مورد نیاز جمع‌آوری شد. برای سنجش توانمندسازی اجتماعی زنان از ۲۵ شاخص و برای توانمندسازی اقتصادی از پانزده شاخص استفاده شد. علاوه بر داده‌های کمی، از داده‌های کیفی برای تقویت نتایج تحلیل‌های کمی و نیز کسب اطلاعات جزئی‌تر و شناسایی فرایندهای تغییر استفاده شد. برای اعتبارسنجی پرسش‌نامه‌ها و اطمینان از پایایی، از ابزار آزمون کرونباخ آلفا استفاده شد. این ضریب در ۲۵ سنجش اجتماعی ۰/۸۱ برای اعضا و ۰/۸۹ برای غیراعضا و ضریب پانزده سنجش اقتصادی برای اعضا ۰/۸۴ و ۰/۸۶ برای غیراعضا به دست آمد که نشان از پایایی قابل قبول پرسش‌نامه است. برای حصول اطمینان از روایی صورتی پرسش‌نامه، از پنل متخصصان و کارشناسان شامل استادان دانشگاه و کارشناسان خبره در سازمان‌های غیردولتی استفاده شد. برای تحلیل و تجزیه اطلاعات داده‌های کمی، از روش‌های استنباطی (آزمون همبستگی، پیرسون، آزمون تی مستقل آزمون، و تی وابسته) با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

جدول ۱. حجم نمونه زنان روستایی (عضو و غیرعضو) به تفکیک روستاهای دارای سمن

دهستان	روستا	خانوار	زنان ۱۵ تا ۶۵ سال	تعداد اعضای سمن		حجم نمونه	
				عضو	غیرعضو	عضو	غیرعضو
آستانه	ملک‌آباد	۳۷۰	۴۲۴	۹	۹	۲۰	۹
	کت	۲۷۷	۳۳۹	۲۵	۱۲	۱۰	۱۲
	باسفر	۱۰۶۴	۱۱۶۲	۲۲۰	۴۵	۴۰	۴۵
	سنگان	۶۵۶	۷۴۰	۱۲۲	۲۸	۲۵	۲۸
رشتخوار	کریم‌آباد	۱۰۵	۱۴۳	۹۸	۱۱	۱۰	۱۱
	مهدی‌آباد	۴۴۱	۵۸۲	۱۶	۲۰	۱۵	۲۰
	فتح‌آباد	۸۹۷	۱۰۴۴	۱۶۰	۳۸	۳۵	۳۸
جنگل	آهنگران	۷۹	۱۱۴	۵۰	۱۰	۱۰	۱۰
	جنت‌آباد	۶۸۱	۸۸۱	۵۰	۲۷	۲۵	۲۷
	شعبه	۱۸۵	۲۰۹	۵۰	۱۰	۱۰	۱۰
	جمع	۴۷۵۵	۵۶۳۸	۸۰۰	۴۰۰		

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

برای نرمال بودن توزیع صفات شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق از خطای استاندارد ضرایب چولگی و کشیدگی استفاده شد و ضرایب چولگی و کشیدگی بین $-۱/۵$ و $+۱/۵$ به دست آمد. بنابراین، توزیع شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق نرمال‌اند که در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. نتایج آزمون نرمال بودن

نتیجه آزمون	چولگی		کشیدگی	
	ضریب	خطا	ضریب	خطا
بُعد اجتماعی	-۰,۶۲۵	۰,۱۲۲	۰,۹۵۱	۰,۲۴۳
بُعد اقتصادی	۰,۳۷۴	۰,۱۲۲	-۰,۰۰۴	۰,۲۴۳

بحث و یافته‌ها

باشگاه کشاورزان جوان به عنوان سازمان غیردولتی رسمی در روستاهای مورد مطالعه در جهت توانمندسازی زنان روستایی اقداماتی انجام داده است. در این بررسی نخست ویژگی‌های فردی زنان هر دو گروه توصیف و سپس رابطه این ویژگی‌ها با توانمندسازی تحلیل شده است.

ویژگی‌های فردی زنان عضو

زنان روستایی جامعه مورد مطالعه در محدوده سنی ۱۵ تا ۶۵ سال قرار دارند، با بیشترین تعداد در گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال. ۸۵ درصد از هر دو گروه متأهل، بعد خانوار ۶۰ درصد اعضا و ۳۰ درصد غیراعضا، ۵ نفر و کمتر است. سطح سواد زنان عضو بالاتر است؛ به طوری که $۳۰/۵$ درصد اعضا سواد ابتدایی دارند و مابقی از سطح سواد بالاتری برخوردارند؛ در حالی که $۶۲/۵$ درصد غیراعضا دارای سواد ابتدایی و بقیه بالاترند. شغل اصلی ۷۰ درصد اعضا و ۵۹ درصد غیراعضا خانه‌داری است و سایر مشاغل به ترتیب فراوانی شامل کارگری در مزارع آستان قدس و کوره‌های آجرپزی، خیاطی،

قالی‌بافی، کشاورزی، و دامداری است. سابقه عضویت زنان روستایی در سمن «باشگاه کشاورزان جوان» ۱ تا ۵ سال با میانگین ۳ سال است.

رابطه ویژگی‌های فردی با توانمندی اجتماعی-اقتصادی زنان

با توجه به نرمال بودن داده‌ها، برای بررسی رابطه ویژگی‌های فردی زنان عضو و غیرعضو با متغیر توانمندی (اجتماعی-اقتصادی) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و، چنان‌که در جدول ۳ مشخص است، بین متغیر سن و توانمندی زنان در هر دو گروه رابطه معکوس معنی‌دار به دست آمد؛ یعنی با افزایش سن توانمندی آنان کاهش می‌یابد. ضرایب همبستگی منفی بین سن و توانمندی اجتماعی-اقتصادی به ترتیب در اعضا با -0.207^{***} ، -0.101^{**} و در غیراعضا با -0.438^{**} ، -0.206^{**} - نشانه رابطه معکوس است. بین سطح تحصیلات اعضا و توانمندی اجتماعی و اقتصادی آنان رابطه مثبت معنادار به ترتیب با ضریب همبستگی 0.123^{**} و 0.161^{**} به دست آمد. درمورد غیراعضا نیز این رابطه به ترتیب با ضریب همبستگی 0.543^{**} و 0.401^{**} معنادار مثبت است. درمورد بُعد خانوار رابطه منفی به دست آمد؛ به طوری که ضریب همبستگی در اعضا منفی -0.130^{**} و برای غیراعضا منفی -0.410^{**} است.

جدول ۳. رابطه ویژگی‌های فردی با متغیر توانمندسازی

توانمندی	بُعد اجتماعی	بُعد اقتصادی		
ضریب همبستگی	-0.207^{***}	-0.101^{**}	سن	عضو
سطح معنی‌داری	0.003^{**}	0.0145^{**}	تحصیلات	
ضریب همبستگی	0.123^{**}	0.161^{**}	تعداد فرزند	
سطح معنی‌داری	0.045^{**}	0.022^{**}	سن	غیرعضو
ضریب همبستگی	-0.114^{**}	-0.170^{**}	تحصیلات	
سطح معنی‌داری	0.098^{**}	0.010^{**}	تعداد فرزند	
ضریب همبستگی	-0.438^{***}	-0.206^{***}	سن	
سطح معنی‌داری	0.000^{***}	0.003^{**}	تحصیلات	
ضریب همبستگی	0.543^{***}	0.401^{***}	تعداد فرزند	
سطح معنی‌داری	0.000^{***}	0.000^{***}		
ضریب همبستگی	-0.489^{***}	-0.222^{***}		
سطح معنی‌داری	0.000^{***}	0.002^{**}		

$0.05 \leq P < 0.01$:*** $0.01 \leq P < 0.05$:**

تأثیر عضویت در سمن و توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی

برای سنجش نقش سمن باشگاه کشاورزان جوان بر افزایش توانمندی اقتصادی اعضا، ۱۵ شاخص تعیین شد که با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمون T دو گروه مستقل استفاده شد. با توجه به جدول ۴، سطح معنی‌داری آزمون لون^۱ در مواردی که $Sig < 0.05$ باشد، آزمون تی با فرض عدم برابری واریانس‌ها و در سایر موارد آزمون تی با فرض برابری واریانس انجام گرفت و نشان می‌دهد که در ۱۰ شاخص اقتصادی سطح معنی‌داری آزمون F کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین، فرض بر عدم برابری واریانس در نظر گرفته شد و در ۵ شاخص دیگر، که سطح معنی‌داری آزمون F بالاتر از ۰.۰۵ است، فرض بر برابری واریانس است.

جدول ۴. تأثیر عضویت زنان در سمن (آزمون تی و دو گروه مستقل) و توانمندسازی اقتصادی زنان

گروه‌ها سنجش توانمندی اقتصادی	میانگین		آزمون لون		آزمون تی برای برابری میانگین‌ها		
	اعضا	غیراعضا	F	سطح معنی دار	درجه سطح معنی دار	ضریب اطمینان ۹۵٪	کران پایین / کران پایین
میزان افزایش در کنترل و برنامه ریزی درآمد خود و خانواده	۳.۳۵	۳.۳۹	۴.۸۷۵	۰.۰۲۸	۰.۰۵	۰.۱۱۷	-۰.۱۹۷
توانایی در باز پرداخت وام‌های دریافتی	۳.۲۶	۳.۰۹	۱۲.۸۹۱	۰.۰۰	۱.۹۹۳	۰.۳۳۸	۰.۰۰۲
دسترسی به اعتبارات (وام و تسهیلات)	۲.۷۷	۲.۷۲	۲۴.۶۰۳	۰.۰۰	۰.۰۵۶	۰.۲۲۷	-۰.۱۲۷
توانایی مالی جهت شروع کار اقتصادی	۲.۸	۲.۵۴	۶.۲۰۲	۰.۰۱۳	۲.۸۵۸	۰.۴۵۶	۰.۰۸۴
استقلال و آزادی اقتصادی و مالی	۲.۷۱	۲.۳۹	۱۶.۸۷۱	۰.۰۰	۳.۳۳۴	۰.۵۰۹	۰.۱۳۱
دسترسی به منابع تولید	۲.۹۱	۲.۸۶	۶.۱۹۶	۰.۰۱۳	۰.۸۰۸	۰.۱۷۲	-۰.۰۷۲
افزایش آگاهی از بازارها	۲.۶۶	۲.۵۳	۰.۳۷	۰.۵۴۸	۱.۶۳۶	۰.۲۹۸	-۰.۰۲۸
افزایش دسترسی به بازارهای متعدد	۲.۶۶	۲.۶۰	۲۳.۴۷۳	۰.۰۰	۰.۸۲۸	۰.۲۳۶	-۰.۰۹۶
افزایش اشتغال به فعالیتهای کشاورزی با کسب درآمد موثر	۲.۵۸	۲.۶۸	۰.۰۰۹	۰.۹۲۵	-۱.۱۶۶	۰.۰۶۹	-۰.۲۶۹
اشتغال در فعالیتهای دامداری با کسب درآمد	۲.۹۲	۲.۶۹	۷.۱۵۸	۰.۰۰۸	۲.۳۱۴	۰.۴۳۵	۰.۰۳۵
میزان اشتغال صنایع دستی	۳.۱۲	۳.۳۵	۰.۲۸۱	۰.۵۹۶	-۲.۳۵۸	-۰.۰۲۸	-۰.۴۲۲
میزان توسعه کسب و کارهای کوچک و خانگی	۳.۰۱	۲.۵۴	۰.۲۷	۰.۸۷	۴.۸۵۱	۰.۶۶	۰.۲۸
میزان انگیزه جهت راه اندازی خود اشتغالی	۳.۸۱	۳.۵۷	۴.۰۰	۰.۰۴۶	۲.۷۴۷	۰.۴۱۲	۰.۰۶۸
میزان افزایش پس انداز فردی و خانوادگی	۳.۰۲	۲.۱۶	۰.۵۶۷	۰.۴۵۲	۹.۳۳۶	۱.۰۳۵	۰.۶۷۵
میزان انگیزه به پس انداز پول	۳.۶۸	۳.۴۲	۴.۶۴۶	۰.۰۳	۳.۵۰۲	۰.۴۱۴	۰.۱۱۶

با توجه به نتایج جدول فوق، مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون تی برای نه شاخص اقتصادی «توانایی در بازپرداخت وام‌های دریافتی»، «توانایی مالی جهت شروع کار اقتصادی»، «استقلال و آزادی اقتصادی و مالی»، «اشتغال در فعالیتهای دامداری با کسب درآمد»، «میزان اشتغال صنایع دستی»، «میزان توسعه کسب و کارهای کوچک و خانگی»، «میزان انگیزه جهت راه‌اندازی خوداشتغالی»، «میزان افزایش پس‌انداز فردی و خانوادگی»، و «میزان انگیزه به پس‌انداز پول» کمتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار بین توانمندی دو گروه است و زنان عضو از توانمندی اقتصادی بیشتری برخوردارند. اما در شش شاخص دیگر یعنی «میزان افزایش در کنترل و برنامه‌ریزی درآمد خود و خانواده»، «دسترسی به اعتبارات، وام، و تسهیلات»، «دسترسی به منابع تولید»، «افزایش آگاهی از بازارها»، «افزایش دسترسی به بازارهای متعدد»، و «افزایش اشتغال به فعالیتهای کشاورزی با کسب درآمد» تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مورد مطالعه به دست نیامد و لذا می‌توان نتیجه گرفت که سمن باشگاه کشاورزان جوان نتوانسته در زمینه توانمندسازی اقتصادی زنان به موفقیت کامل نائل شود.

تأثیر سمن بر توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی

در بُعد اجتماعی نیز با تلفیق متغیرها و جهت گویاتر شدن نتایج سمن باشگاه کشاورزان جوان بر توانمندسازی اجتماعی زنان به مقایسه شاخص‌های اجتماعی در بین پاسخ‌گویان عضو و غیرعضو پرداخته شد. در این مرحله نیز آزمون T در ۲۵ شاخص اجتماعی در بین دو گروه بررسی شد و با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمون T دو گروه مستقل استفاده شد. طبق نتایج جدول ۶ مشاهده می‌شود که در نه شاخص مقدار Sig که مربوط به واریانس است از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است و بنابراین برابری واریانس را تأیید می‌کند، ولی در رابطه با شانزده شاخص دیگر سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است و برابری واریانس رد می‌شود. بنابراین، سطح معنی‌داری آزمون تی تفاوت معنی‌دار بین آرای دو گروه را اثبات می‌کند؛ یعنی زنان عضو از توانمندی اجتماعی بالاتری برخوردارند. ولی در رابطه با شاخص‌های «میزان مشارکت در کارگروهی»، «میزان مشارکت در انتخابات روستایی»، و «افزایش ارتباط با دیگر خانواده‌ها» بین هر دو گروه میانگین متوسط به بالا و

اختلاف میانگین‌ها نشانه عدم رابطه معنی‌دار است. در خصوص «آگاهی از حقوق اجتماعی و قانونی»، «آگاهی از قوانین و مقررات»، و «آگاهی از مزیت مشارکت در جامعه» اختلاف معنی‌دار نیست و سمن موفقیتی نداشته است.

جدول ۶. مقایسه زنان عضو و غیرعضو (با آزمون تی دو گروه مستقل) در رابطه با توانمندسازی اجتماعی زنان

گویه های سنجش توانمندی اجتماعی		میانگین		آزمون لون		آزمون تی برای برابری میانگین‌ها	
اعضا	غیراعضا	F	سطح معنی دار	t آماره آزادی	درجه سطح معنی دار	ضریب اطمینان ۹۵٪	کران پایین کران پایین
۳۰۶	۳۰۶	۳۹۸۷۳	۰.۰۰	۰.۴۶۶	۳۴۵.۹	۰.۱۱۳	۰.۱۸۳
۲۶۸	۲۶۸	۴.۱۹	۰.۰۴۱	۲.۶۶۸	۳۸۹.۳	۰.۰۰۸	۰.۰۵۳
۳۰۶	۳۰۶	۴۵۰.۵۶	۰.۰۰	۱.۴۱۴	۳۷۱	۰.۱۵۸	۰.۳۳۵
۳۰۴	۳۰۴	۵.۴۲۳	۰.۰۲	-۳.۲۴۴	۳۸۷.۳	۰.۰۰۱	-۰.۱۱
۲۸۲	۲۸۷	۷۸۴	۰.۰۰۵	-۰.۵۶۶	۳۸۰.۲	۰.۰۵۷۱	۰.۱۲۴
۳۰۳	۳۰۷	۳۶.۱۶۵	۰.۰۰	-۰.۳۴۴	۳۴۵.۶	۰.۷۳۱	۰.۱۶۵
۳۰۲	۲۸۳	۸.۲۶۸	۰.۰۰۴	۲.۱۲	۳۹۸	۰.۰۳۵	۰.۳۵۷
۲.۶	۲.۷۲	۱۳.۷۵۳	۰.۰۰	-۱.۳۳۶	۳۸۵	۰.۱۸۲	۰.۰۵۹
۲.۴۶	۲.۵۲	۰.۵۹۲	۰.۴۴۲	-۰.۷	۳۹۸	۰.۴۸۴	۰.۰۹۹
۳.۳۴	۳.۲۳	۱.۳۶	۰.۲۴۴	۱.۱۳۹	۳۹۸	۰.۲۵۶	۰.۰۳
۳.۳۱	۳.۱۳	۰.۰۱۱	۰.۹۱۶	۱.۹۶۵	۳۹۸	۰.۰۵	۰.۳۷
۳.۶۲	۳.۰۴	۰.۲۷۸	۰.۵۹۸	۶.۱۴۶	۳۹۸	۰.۰۰	۰.۷۷۲
۳.۷	۳.۴۳	۱۳.۲۲۶	۰.۰۰	۳.۹۱۸	۳۸۶.۲	۰.۰۰	۰.۴۰۵
۳.۷۹	۳.۰۷	۰.۴	۰.۵۲۷	۱۱.۹۶۲	۳۹۸	۰.۰۰	۰.۸۳۸
۳.۶	۳.۲۷	۱۵.۰۶۲	۰.۰۰	۴.۶۶۵	۳۸۵.۱	۰.۰۰	۰.۴۷۶
۳.۶۹	۳.۵۵	۲.۹۳۹	۰.۰۸۷	۱.۸۰۹	۳۹۸	۰.۰۴۵	۰.۲۹۲
۳.۴۹	۳.۳۲	۲۷.۳۹۱	۰.۰۰	۱.۹۳	۳۵۹.۴	۰.۰۴۸	۰.۳۵۳
۳.۱۱	۳.۰۵	۱.۵۱	۰.۲۲	۰.۷۴۱	۳۹۸	۰.۴۵۹	۰.۲۱۹
۳.۰۶	۳.۱۶	۰.۰۷۹	۰.۷۷۹	-۱.۲۰۵	۳۹۸	۰.۲۲۹	۰.۰۶۳
۳.۸۸	۳.۹۴	۶.۵۰۶	۰.۰۱۱	-۰.۵۸۱	۳۷۱.۸	۰.۵۶۱	۰.۱۱۹
۳.۹۲	۳.۶۰	۸.۳۰۱	۰.۰۰۴	۳.۸۸۶	۳۹۸	۰.۰۰	۰.۴۷۴
۳.۲۶	۳.۱۱	۱.۴۳۶	۰.۲۳۲	۱.۶۳۳	۳۹۸	۰.۱۰۳	۰.۳۴۲
۲.۹۸	۳.۲۷	۶.۵۱۶	۰.۰۱۱	-۳.۱۱۶	۳۹۷.۶	۰.۰۰۲	-۰.۱۰۵
۳.۱۴	۳.۹۱	۱۴.۵۴۴	۰.۰۰	-۸.۱۶۷	۳۷۱.۹	۰.۰۰	-۰.۵۸۱
۳.۸۴	۳.۵۸	۴.۰۱	۰.۰۴۶	۳.۲۷	۳۸۲.۸	۰.۰۰۱	۰.۴۱۶

در مجموع، نتایج جدول ۷ و آزمون‌های لون و تی در ابعاد توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار بین آرای دو گروه است، بدین معنی که سطح معنی‌داری آزمون لون، در بُعد اجتماعی، توانمندی کمتر از ۰/۰۵ است. پس آزمون تی با فرض عدم برابری واریانس در نظر گرفته شده است. اما در بُعد توانمندی اقتصادی بیشتر از ۰/۰۵ است که فرض عدم برابری واریانس رد می‌شود. اما در کل شاخص‌های میانگین توانمندی در گروه اعضا بیشتر از غیر اعضای سمن است.

جدول ۷. مقایسه عضویت و عدم عضویت در سمن و توانمندسازی زنان روستایی

ابعاد	جامعه	اماره‌های توصیفی		آزمون لون		آزمون تی برای برابری میانگین‌ها	
		میانگین	انحراف معیار	F	سطح معنی‌دار	t آماره	درجه آزادی
توانمندسازی	عضو	۳٫۱۶	۰٫۳۶۴۸۱۲	۰٫۹۶۱	۰٫۲۶	۳٫۲۷۹	۳۷۷
	غیر عضو	۳٫۰۲۹	۰٫۴۶۲۶۰۳				
بُعد اجتماعی	عضو	۳٫۳۱	۰٫۳۵۹۱۳۳	۰٫۹۸۹	۰٫۲۶	۲٫۱۱۹	۳۷۰٫۵۷۵
	غیر عضو	۳٫۲۲۴	۰٫۴۷۴۷۳۷				
بُعد اقتصادی	عضو	۳٫۰۱	۰٫۵۰۰۵۲۸	۰٫۹۸۹	۰٫۳۲۱	۳٫۶۰۵	۳۹۸
	غیر عضو	۳٫۸۳	۰٫۵۲۰۱۸۹				

مقایسه اثرات سمن بر توانمندسازی زنان در روستاهای مورد مطالعه

به‌منظور مقایسه وضعیت توانمندی (اجتماعی و اقتصادی) زنان در ده روستای مورد مطالعه، جدول ۸ تهیه شد و نشان می‌دهد که گرچه در کل باشگاه کشاورزان جوان در توانمندی زنان روستاها مؤثر بوده، میزان موفقیت یکسان نبوده است؛ به‌طوری که بیشترین موفقیت در روستای ملک‌آباد با میانگین ۳٫۶۶ و کمترین موفقیت در روستای جنت‌آباد با میانگین ۳٫۲۳ ارزیابی شده است. در زمینه آموزش صنایع دستی و کلاس‌های مشاوره فرهنگی و دانش‌افزایی زنان روستایی اقدامات مفید و مؤثری در این روستاها انجام گرفته است؛ از جمله دوره‌های آموزشی صنایع دستی و راه‌اندازی کارگاه‌های کوچک پرورش قارچ که باعث افزایش توانمندی اقتصادی و خوداتکایی زنان شده است.

جدول ۸. میانگین اثرات سمن باشگاه کشاورزان جوان بر توانمندسازی زنان به تفکیک روستاها

روستا	جامعه	بُعد اجتماعی	بُعد اقتصادی	توانمندی
ملک‌آباد	عضو	۳٫۵۲	۳٫۳۷	۳٫۶۶
	غیر عضو	۳٫۳۰	۲٫۹۵	۳٫۱۳
سنگان	کل	۳٫۴۱	۳٫۱۶	۳٫۳۹
	عضو	۳٫۴۳	۳٫۰۲	۳٫۵۶
آهنگران	غیر عضو	۳٫۳۴	۲٫۸۸	۳٫۱۱
	کل	۳٫۳۹	۲٫۹۵	۳٫۳۳
کریم‌آباد	عضو	۳٫۳۲	۲٫۹۳	۳٫۴۳
	غیر عضو	۳٫۳۳	۳٫۰۲	۳٫۱۸
فتح‌آباد	کل	۳٫۳۲	۲٫۹۷	۳٫۳۰
	عضو	۳٫۶۰	۲٫۹۵	۳٫۷۱
کت	غیر عضو	۳٫۰۳	۲٫۶۸	۲٫۸۶
	کل	۳٫۳۱	۲٫۸۲	۳٫۲۸
شعبه	عضو	۳٫۳۹	۳٫۰۲	۳٫۵۱
	غیر عضو	۳٫۲۳	۲٫۸۶	۳٫۰۵
باسفر	کل	۳٫۳۱	۲٫۹۴	۳٫۲۸
	عضو	۳٫۴۶	۲٫۹۹	۳٫۵۷
مهدی‌آباد	غیر عضو	۳٫۱۹	۲٫۶۸	۲٫۹۴
	کل	۳٫۳۳	۲٫۸۳	۳٫۲۵
جنت‌آباد	عضو	۳٫۲۸	۳٫۰۱	۳٫۳۸
	غیر عضو	۳٫۴۵	۲٫۷۴	۳٫۱۰
مهدی‌آباد	کل	۳٫۳۷	۲٫۸۸	۳٫۲۴
	عضو	۳٫۲۴	۲٫۹۶	۳٫۳۲
جنت‌آباد	غیر عضو	۳٫۳۰	۲٫۸۹	۳٫۱۰
	کل	۳٫۲۷	۲٫۸۳	۳٫۲۱
جنت‌آباد	عضو	۳٫۲۱	۳٫۰۶	۳٫۲۴
	غیر عضو	۳٫۴۶	۲٫۹۰	۳٫۱۸
جنت‌آباد	کل	۳٫۳۴	۲٫۹۸	۳٫۲۱
	عضو	۳٫۲۱	۳٫۰۵	۳٫۲۳
جنت‌آباد	غیر عضو	۳٫۱۶	۲٫۷۴	۲٫۹۵
	کل	۳٫۱۸	۲٫۹۰	۳٫۰۹

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعات نظری نشان داد که یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد توانمندی اقشار مختلف جامعه به‌خصوص اقشار ضعیف در جوامع محلی، از جمله زنان و ساکنان روستا، است تا به مدد آگاهی و بیدارسازی توان انتخاب و مشارکت در این قشر واپس‌زده افزایش یابد. تحقق این امر استفاده از همه ظرفیت‌های نیروهای انسانی، افزایش روحیه مشارکت، دخیل‌ساختن در تصمیم‌گیری‌های محلی، درون‌زاشدن توسعه، و درنهایت توانمندی اجتماعی- اقتصادی روستاییان به‌خصوص زنان را موجب می‌شود، هرچند این اهداف با توجه به اهداف سازمان غیردولتی و نوع مقیاس تحت پوشش سمن در مواردی اجرایی شده است، در مواردی هنوز در حد شعار باقی مانده و موفق نبوده است. هدف از این تحقیق شناسایی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رشتخوار بوده است؛ بدین منظور دویست نفر از زنان روستایی عضو سمن پاشگاه کشاورزان از ده روستای شهرستان (ملک‌آباد، کت، باسفر، سنگان، کریم‌آباد، مهدی‌آباد، فتح‌آباد، آهنگران، جنت‌آباد، و شعبه) به‌صورت نمونه انتخاب شدند و با دویست نفر از زنان غیر عضو این روستاها مقایسه و بررسی شدند. نتایج جدول ۴ نشان داد بین متغیر سن و توانمندی زنان در هر دو گروه رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد و با افزایش سن توانمندی آنان کاهش می‌یابد. ولی بین سطح تحصیلات اعضا و توانمندی اجتماعی و اقتصادی آنان رابطه مثبت معنادار به ترتیب با ضریب همبستگی ۰/۱۲۳ و ۰/۱۶۱ به‌دست آمد و زنان عضو که دارای سطح تحصیلات بالاتری بودند از توانمندی اجتماعی و اقتصادی بالاتری نیز برخوردار بودند.

برای شناخت تأثیر سمن باشگاه کشاورزان جوان بر افزایش توانمندی اقتصادی اعضا، آزمون T دو گروه مستقل نشان داد که از پانزده شاخص اقتصادی نه شاخص رابطه معنادار دارد و زنان عضو از توانمندی اقتصادی بیشتری برخوردارند. ولی در شش شاخص دیگر- شامل «میزان افزایش در کنترل و برنامه‌ریزی درآمد خود و خانواده»، «دسترسی به اعتبارات، وام، و تسهیلات»، «دسترسی به منابع تولید»، «افزایش آگاهی از بازارها»، «افزایش دسترسی به بازارهای متعدد»، و «افزایش اشتغال به فعالیت‌های کشاورزی با کسب درآمد»- تفاوت بین دو گروه معنادار نیست و سمن نتوانسته در توانمندسازی اقتصادی زنان به موفقیت‌های قابل توجهی نائل شود و به تسهیلات و حمایت‌های مالی، آگاهی از بازارها، و افزایش مهارت‌های تولیدی بیشتری نیاز است.

برای سنجش نقش باشگاه کشاورزان جوان بر افزایش توانمندی اجتماعی زنان عضو، ۲۵ شاخص در نظر گرفته شد (جدول ۶)، گرچه سطح معنی‌داری آزمون T در نه شاخص معنی‌دار نبود، در شانزده شاخص رابطه معنادار به‌دست آمد که تأثیر مثبت سمن را بر توانمندسازی اجتماعی زنان تأیید می‌کند. در رابطه با شاخص‌های «میزان مشارکت در کار گروهی»، «میزان مشارکت در انتخابات روستایی»، و «افزایش ارتباط با دیگر خانواده‌ها» بین هر دو گروه میانگین متوسط به بالا و اختلاف میانگین‌ها نشانه عدم رابطه معنی‌دار است. در خصوص «آگاهی از حقوق اجتماعی و قانونی»، «آگاهی از قوانین و مقررات»، و «آگاهی از مزیت مشارکت در جامعه» نیز اختلاف معنی‌دار نیست و هر دو گروه زنان روستایی آگاهی اندکی دارند. بنابراین، توانمندسازی اجتماعی نیز از طریق فرایند انجام می‌گیرد و باشگاه کشاورزان جوان هنوز نتوانسته برای تحقق شاخص‌های فوق به موفقیت‌های قابل توجهی نائل آید.

در مجموع، از مقایسه دو گروه زنان عضو و غیرعضو سمن، با آزمون تی و سطح معنی‌داری، تفاوت معنی‌دار بین آرای دو گروه اثبات شد؛ میانگین شاخص‌های توانمندی زنان عضو سمن بالاتر از غیر عضو است که حاصل تأثیر فعالیت‌های آموزشی و مهارت‌افزایی سمن‌هاست. با وجود تأثیرات مثبت سمن، برخی مشکلات از جمله عدم فهم و تعریف درست این سمن در بین روستاییان و زنان روستایی، عدم اعتماد مردم و نگاه به بیرونی‌بودن این سمن و عدم موفقیت برخی از

سمن‌ها زنگ خطری برای کمرنگ‌شدن آن‌هاست؛ بنابراین، پیشنهادهایی برای موفقیت و اثربخشی بیشتر این سمن‌ها ارائه می‌شود:

با وجود اینکه سمن‌ها سازمان‌هایی مستقل، مردمی، و خودمختارند، کمک‌های دولتی در برخی جنبه‌ها ضرورت دارد. دولت‌ها با کمک و وام‌های بلاعوض تا هنگام سرپاشدن این سمن‌ها می‌توانند در رفع این مشکلات چاره‌ساز باشند. بنابراین، بازنگری در نحوه تأمین اعتبارات مالی، ایجاد تسهیلات لازم جهت جذب منابع مالی بانکی، و ایجاد صندوق‌های اعتباری جدید می‌تواند زمینه‌های افزایش نقدینگی را در سمن‌های روستایی فراهم کند.

مشارکت سازمان‌دهی‌شده مردم به صورت داوطلبانه و بر پایه قرارداد و قانون در قالب نهادها انجام گیرد و دولت از طریق تقویت این تشکل‌های مدنی و سازمان‌های اجتماعی و استفاده از ابتکارات جمعی با دادن آزادی عمل و عدم مداخله و تحمیل کارکردهای انحرافی به سمن‌ها بیشترین تأثیر را در ارتقای شاخصه‌های توانمندسازی خواهد داشت.

پیشنهاد می‌شود در کنار اهتمام دولت به فراهم‌ساختن شرایط و زمینه ایجاد و توسعه این سازمان‌ها در روستاها، از طریق حمایت‌های مالیاتی و دیگر سیاست‌های تشویقی به جذب سرمایه‌گذاران، برخی اختیارات به بخش خصوصی واگذار شود تا از ظرفیت‌های روستاییان استفاده و از بار مسئولیت دولت در روستاها کاسته شود. همچنین، تجربیات موفق برخی سمن‌ها مانند سمن روستای ملک‌آباد به دیگر روستاهای منطقه و کشور معرفی شود.

برای افزایش توانمندی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی، برگزاری مستمر دوره‌های آموزشی و ارائه اطلاعات مشاوره‌ای و تخصصی به آنان می‌تواند در ارتقای سطح دانش و آگاهی و تغییر نگرش زنان مؤثر باشد و از تماشاگر صرف به مشارکت‌کننده فعال مبدل شوند و بر حس خودباوری و اعتماد به نفس بیشتر آنان افزوده شود.

نتایج این تحقیق با تحقیقات بالحبیب (۲۰۰۴)، هندی و کاسام (۲۰۰۶)، ایسلام و سلطانا (۲۰۰۵)، نیواز (۲۰۰۰)، لالیما و میخائیل (۲۰۱۲)، و که به نقش مثبت سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی زنان روستایی اشاره کرده‌اند همسویی دارد. همچنین، با نتایج تحقیقات اورمزدی (۱۳۹۰) و فال‌سلیمان و حجی‌پور (۱۳۹۰) که سازمان‌های مردم‌نهاد را عامل بهره‌مندی از دوره‌های آموزشی و بالارفتن سطح آگاهی‌ها و توانمندی‌ها و ایجاد تنوع شغلی روستاییان می‌دانند مطابقت دارد.

منابع

۱. ابطحی، سیدحسین و عابسی، سعید (۱۳۸۶). *توانمندسازی کارکنان*، کرج: انتشارات مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت وابسته به وزارت نیرو.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴). تحلیل مبانی و نظریه‌های نظام بهره‌برداری و روند تحول آن‌ها با تأکید بر جامعه روستایی ایران، *اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران چالش‌ها و چاره‌ها*، ۹ و ۱۰ دی‌ماه، وزارت کشاورزی، معاونت امور بهره‌برداری، صص ۵۹-۱۹.
۳. اورمزدی، محمدرضا (۱۳۹۰). الزامات بازنگری سیاست‌های توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) در برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری روستایی ایران، *همایش گردشگری و توسعه پایدار*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
۴. باشگاه دانش‌آموختگان مدرسه پرتو (۱۳۹۵). *توانمندسازی زنان: موانع و چالش‌ها*.
۵. براری، مرضیه؛ مطهری اصل، مرضیه و رضوی خراسانی، سیدجمال (۱۳۹۱). بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد بر پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان سرپرست خانوار، فصل‌نامه علمی-پژوهشی *جامعه‌شناسی زنان*، سال ۳، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۸۰.
۶. جوانی، خدیجه؛ بوزرجمهری، خدیجه؛ شایان، حمید و قاسمی، مریم (۱۳۹۶). وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد در روستاها: فرایند شکل‌گیری، آثار، و پیامدهای منطقه مورد مطالعه: روستاهای شهرستان رشتخوار، فصل‌نامه *پژوهش‌های روستایی*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۶۴.
۷. چمبرز، رابرت (۱۳۷۵). فقر یکپارچه روستا، ترجمه مصطفی ازکیا، فصل‌نامه *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، صص ۸۷-۱۳۴.

۸. حیدری، نصرت‌اله و جمشیدی، محسن (۱۳۹۵). نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در مشارکت سیاسی در دوران‌های ریاست جمهوری خاتمی، احمدی‌نژاد، و روحانی، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۲، شماره ۳۶، صص ۱۲۵-۱۵۲.
۹. خداوردی‌لو، سهیلا و بریمانی، فرامرز (۱۳۸۹). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و فقیر، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار.
۱۰. خلیلی، عماد (۱۳۹۵). توانمندسازی اقتصادی زنان، سومین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری با رویکرد ارزش‌آفرینی.
۱۱. دادورخانی، فضیله و موسوی، سمیه سادات (۱۳۹۹). تحلیل عوامل مؤثر بر فرایند تصمیم‌گیری در پذیرش کارآفرینی در بین زنان روستایی، مطالعه موردی: دهستان سولقان، فصل‌نامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۵۱، شماره ۱، صص ۱۶۱-۱۸۱.
۱۲. رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: قومس.
۱۳. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و بدری، علی (۱۳۹۱). بنیان‌های نظریه‌ای الگوی توسعه‌ی روستای نمونه، انتشارات استاندارد گیلان.
۱۴. سعیدی، محمدرضا (۱۳۹۳). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: سمت.
۱۵. شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱). توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران: نشر قطره.
۱۶. شادی‌طلب، ژاله و گزایی‌نژاد، علیرضا (۱۳۸۳). فقر زنان سرپرست خانوار، مجله پژوهش زنان، شماره ۱، صص ۴۹-۷۰.
۱۷. شاه‌بهرامی، فرخ‌اله؛ پیشگاهی‌فر، زهرا؛ زال‌پور، کیانوش و بختیاری، تقی (۱۳۸۹). تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بر پیشگیری از ارتکاب جرم زنان سرپرست خانوار، فصل‌نامه مدیریت انتظامی، ۵ (۳): ۵۰۴-۵۱۸.
۱۸. شجاعی مقدم، الهام (۱۳۹۳). نقش شرکت‌های تعاونی روستایی زنان در توانمندسازی اعضا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، راهنما خدیجه بوزرجمهری دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۹. شکوری، علی؛ رفعت‌جاه، مریم و جعفری، معصومه (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، صص ۱-۲۶.
۲۰. شهبازی، اسماعیل (۱۳۸۴). توسعه و ترویج روستایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. شهسواری‌فرد، شهره (۱۳۹۶). سازمان‌های غیردولتی زنان از تصور تا واقعیت، ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۲۱، صص ۷۸-۸۹.
۲۲. صبحی مقدم، مژگان (۱۳۹۳). سازمان‌های مردم‌نهاد محلی: شرایط، تعاملات، و پیامدها (مطالعه موردی: روستای کیخا، شهرستان زابل)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. صفری، حسین؛ دانش، پروانه؛ سفیری، خدیجه و فخرایی، سبروس (۱۳۹۷). تبیین نابرابری جنسیتی در سازمان‌های مردم‌نهاد استان آذربایجان شرقی، فصل‌نامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۷۹-۲۰۰.
۲۴. عبداللهی، محمد (۱۳۸۷). زنان در عرصه عمومی: عوامل، موانع، و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایرانی، تهران: جامعه‌شناسان.
۲۵. علی‌بیگی، امیرحسین و زرافشانی، کیومرث (۱۳۸۶). تحلیل جنسیتی فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه: توصیه‌هایی برای عاملان توسعه اقتصادی، مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۲، صص ۸۹-۱۱۱.
۲۶. علی‌شاهی، مژگان (۱۳۸۶). امنیت غذایی و اقتصادی کشور، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران.
۲۷. فال‌سلیمان، محمود و حجتی‌پور، محمد (۱۳۹۰). واکاوی میزان پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد در مناطق روستایی؛ تجربیات پروژه بین‌المللی ترسیب کربن در استان خراسان جنوبی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۲۰، شماره ۲۳، صص ۱۰۷-۱۲۷.
۲۸. قشقایی، فرشته (۱۳۷۸). نقش سازمان‌های غیردولتی در اداره امور عمومی کشور، نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۹. کبیر، نایلا؛ وی، ویویان و فریدا، شهید (۱۳۸۸). توانمندسازی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه، مترجمان: فاطمه صادقی، اعظم خاتم و اکرم خاتم، تهران: نشر آگه.
۳۰. کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت و فرجی راستابی، زهرا (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، صص ۵-۳۰.
۳۱. گلشن‌پژوه، محمدرضا (۱۳۹۱). راهنمای سازمان‌های غیردولتی (با اصلاحات و اضافات)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۳۲. محسنی، رضاعلی؛ خوش‌فر، غلامرضا؛ بابایی، قربان‌علی و ابراهیمی، میترا (۱۳۹۲). بررسی عامل‌های مؤثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد، فصل‌نامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال ۴، شماره ۲، صص ۱۶۷-۱۹۰.

۳۳. محمدی، سعید (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل موانع مؤثر بر گسترش فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: انجمن سبز چیا در شهرستان مریوان)، فصل‌نامه جغرافیا و توسعه، شماره ۵۵، صص ۲۱۱-۲۳۶.
۳۴. مطیعی لنگرودی، سیدحسن؛ قدیری معصوم، مجتبی؛ داورخانی، فضیله؛ بدالهی فارسی، جهانگیر و ترکاشوند، زهرا (۱۳۹۱). تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی: بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، صص ۱۱۹-۱۳۸.
۳۵. هادی پور، مرضیه؛ فرجی سبکبار، حسنعلی؛ داورخانی، فضیله؛ رومیانی، احمد (۱۳۹۹): ارائه الگوی ارزیابی توزیع فضایی فعالیت (اشتغال و بیکاری) زنان در شهرستان‌های ایران با استفاده از سیستم‌های دانش بنیان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، جلد ۹، شماره ۳۲، صص ۱۷۲-۱۴۹.
۳۶. یاسوری، مجید (۱۳۹۰). نقش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در توانمندسازی زنان و جوانان روستایی (نمونه: روستای اردوغش)، فصل‌نامه چشم‌انداز (مطالعات انسانی)، سال ۶، شماره ۱۷، صص ۴۴-۶۰.
37. Al-Amin, M. and Chowdhury, T. (2008). Women, Poverty and Empowerment: An Investigation into the Dark Side of Microfinance. *Asian Affairs*, 30(2): -16-29.
38. Belhabib, S. (2004). Moroccan Women NGO: Civil Society Agents of Change. *Third ALWF Annual Conference: Women in the Arab World, Partners in the Community and on the World Stage*.
39. Clare O'Farrel (2001). Rural Development and Sustainable Livelihoods.
40. Coulson, A. (2007). *Local government in Eastern Europe: establishing democracy at the grass roots*, Aldershot, u.k: Edward Elgar.
41. Erickson, J.I.; Hamilton, G.A.; Jones, D.E. , Ditomassi, M. (2003). Measuring the impact of collaborative governance: Beyond empowerment. *Journal of Nursing Administration*, 33(2): 96-104.
42. Food Assistance and Nutrition Research Report Number 42 (2003). United States Department of Agriculture. *Journal of Economic Research Service*, 42(1): 124- 143.
43. Handy, F. and Kassam, Meenaz (2006). Practice What You Preach? The Role of Rural NGOs in Women's Empowerment, *Journal of Community Practice*, Vol. 14, No. 3, pp. 69-91.
44. Hashemi, S. R.; Schuler, and. Riely, A. ,P. (1996). Rural Credit Programs and Women's Empowerment in Bangladesh, *World Development*, 24(4): 635-653.
45. Islam, N. and Sultana, N. (2005). Role of NGOs in Empowering the Vulnerable women: a study on ACD, *Asian Affairs*, Vol. 27, No. 4, pp. 24-40.
46. Kabeer, N. (2002). Resources, Agency, Achievements: Reflections on the Measurement of Women's Empowerment, pp. 17-57, in: B. Sevefjord and B. Olsson (e.d.s) *Discussing Women's Empowerment - Theory and Practice*. Sweden: Swedish International Development Agency.
47. Kazi, R.; Muhammad, A. and Mahmuda, Kh. (2017). Women's Empowerment through NGOs Intervention: A Socio-economic Assessment of Rural Area in Rangpur. *Journal Of Humanities And Social Science (IOSR-JHSS)*, Vol. 22, Issue 3, Ver. III. pp. 25-39.
48. Lalima, S. , Michael, J. A. (2012). Women and Non-Governmental Organizations in Developing Countries, *Social Development Issues*, No. 1, pp. 77-91.
49. Li, X.; Gan,G. and Hu, B. (2011).The impact of microcredit on women's empowerment: Evidence from *China Journal of Chinese Economic and Business Studies*, Vol. 9, No. 3, pp. 239-261.
50. Mara, J. G. and Little, J. (2015). Innovative Grassroots NGOS and the Complex Processes of Women's Empowerment: An Empirical Investigation from Northern Tanzania, *World Development*, Vol. 66, pp. 762-777.
51. Motiar, R. , Shafiqul, A. (1999). Micro-Credit Initiative for Equitable and Sustainable Development: Who pays? *World Development*, 27(1).
52. Newaz, W. (2000). Impact of NGO Credit Programs on the Empowerment of Rural Women in Bangladesh: A Case of UTTARAN, *Paper presented at the conference "The Third Sector: For What and For Whom?"* organized by the International Society for Third-sector Research in Dublin, Ireland July 5-8.
53. Rafiqul, I. (2011). Rural Women's Empowerment through Selfincom Generating Activities: A Study on NGOs Credit Programs in Bangladesh, in online: www.microfinance gateway.com (Accessed on May, 2013).

54. Sahay, Sashama (1998). *Women and Empowerment Approaches and Strategies*, New Delhi, Discovery Publishing House.
55. Streeten, P. (1997). Non-Government Organizations, *JSTOR Journal*, Vol. 554, Issue: 1, page(s): 193-210.
56. Tauhidul, I., Emadul, I (2012). Micro-credit and women –empowerment: Some case reflections from Rural Bangladesh, *Journal of social sciences*, The Dhaka University Studies, Part-D, Vol. 29, No. 2.
57. Venise, B. and Salvatore, M. (2020). Building leadership capacity in women: an NGO in India's initiative towards women members of SHGs. *Journal Development in Practice*, Vol. 30 <https://doi.org/10.1080/09614524.2019.1701988>.